

زیجر

دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال نهم / شماره دوم / پیاپی ۱۷ / پاییز - زمستان ۱۴۰۲

وجود رابط معلول از دیدگاه صدر المتألهین^۱

حسن محسنی^۲

سیدباقر حسینی کریمی^۳

چکیده

نظریه وجود رابط معلول از ابتکارات و مهم‌ترین مبانی صدر المتألهین است. او در این نظریه با نفی کثرت از وجود و ارجاع آن به شئون وجود، به وحدت شخصی وجود و کثرت شئون وجود می‌رسد. البته درک عمیق این نظریه دشوار است و برای جلوگیری از هرگونه سوء برداشتی باید دقت کنیم که نظریه وجود رابط و نتیجه آن، که وحدت شخصی حقیقت وجود است، نه مستلزم انکار مخلوقات و ممکنات است و نه مستلزم این است که واجب بالذات در ممکنات حلول کرده باشد. صدر المتألهین در این نظریه درصدد اثبات این مدعاست که وجود معلول نه عین حقیقت وجود علت است و نه مستقل و منفک از آن، بلکه حقیقتی است بین آن دو امر، اما این مستلزم این نیست که وجود معلول هم حیث وابستگی و هم حیث استقلال داشته باشد. اساساً در حیثه وابستگی معلول به علت، وجودی نداریم که از جهتی وابسته و از جهتی مستقل باشد؛ همان‌طور که مستقل یعنی مستقل مطلق نه مستقل نسبی؛ چراکه در فلسفه، وجود یا وابسته محض است یا مستقل محض. در نتیجه از منظر صدر المتألهین، وجود معلول (ممکن) نسبت به وجود علت (واجب) ربط محض‌اند و هیچ نحو استقلالی ندارند و تنها واجب است که مطلقاً مستقل است.

کلیدواژه‌ها: وجود رابط معلول، علیت، سنخیت، وجود مستقل، صدر المتألهین.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۸

۲. نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب؛ استادمعدو دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. salehmmhm@gmail.com

۳. استادیار گروه معارف، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. sb.hosseini@umz.ac.ir

۱. مقدمه

وجودشناسی مهم‌ترین بخش از فلسفه اسلامی است. صدرالمتهلین عدم شناخت مسئله وجود را موجب جهل به تمامی مبانی معرفت می‌داند؛ زیرا وجود اولین و شناخته‌شده‌ترین تصور نزد ماست و هر چیزی به واسطه آن شناخته می‌شود. لذا لازمه نشناختن وجود عدم شناخت همه چیز است (حسنی، ۱۳۸۵: ۲). نظر ملا صدرا در مورد ربط وجود خالق و مخلوق را باید در نظریه «وجود رابط معلول» جست‌وجو کرد که از مهم‌ترین مسائل حکمت متعالیه تلقی شده است. دلیل اهمیت این نظریه این است که در آن با نفی کثرت از وجود و ارجاع آن به شئون وجود، وحدت شخصی وجود و کثرت شئون وجود را نتیجه می‌گیرند که در آن، مدعای شهودی عرفان، مبنی بر وحدت شخصی وجود، با مدعای بدیهی فلسفه، مبنی بر پذیرش کثرت، با اتکا به مباحثی فلسفی و درخور فهم عقل، سازش و ترکیب یافته‌اند.

در نظریه وجود رابط معلول، معلول فاقد جنبه فی‌نفسه است و حیثیتی جز حیثیت لغیره، جز حیثیت للعله، ندارد و جز وابستگی و قیام و ربط به واقعیتی دیگر، که علت نام دارد، نیست؛ جز صدور از علت نیست؛ همان ایجاد و کار و فعالیت علت است، نه اینکه واقعیتی است که در اثر ایجاد و کار و فعالیت علت موجود است. بنابراین صدرالمتهلین تمام ممکنات را شئون و اطوار وجود واجب تعالی می‌داند و اصل همه موجودات را وجود واحدی می‌داند که سایرین جز شئون و تجلیات او نیستند. آن وجود واحد همان وجود مستقل و غنی مطلق است و ماسوای او همه عین فقر و ربط به او هستند.

صدرالمتهلین وجود رابط را با وجود مستقل دو نوع متباین به شمار می‌آورد. او وجود رابط و مستقل را چنان از یکدیگر دور و بیگانه دانسته که اشتراک آن‌ها را تنها در لفظ مطرح کرده است. بنابراین میان وجود رابط و مستقل هیچ‌گونه جهت جامع و قدر مشترک در واقع و نفس‌الامر نمی‌توان پیدا کرد؛ زیرا اگر میان این دو سنخ از وجود یک جهت جامع و قدر مشترک وجود داشته باشد لازمه آن این است که آن قدر جامع بر وجود رابط قابل حمل باشد.

وجه اشتراک بین وجود مستقل و وجود رابط از منظر ملا صدرا منحصر در لفظ است. «صدرالمتهلین نیز وجود مستقل را منحصر در وجود خداوند و ماسوا را عین ربط و تعلق به آن می‌داند. او در بیان اختلاف آن دو به اشتراک لفظی قائل شده است». از سوی دیگر تقریر سنخیتی که بین علت وجودبخش و معلول وجود دارد، بیان می‌کند که چون علت وجودبخش به معلول خودش وجود می‌دهد، باید خودش آن وجود را داشته باشد تا به معلولش بدهد و اگر آن را نداشته باشد نمی‌تواند اعطا کند. مبنای قاعده سنخیت این است که معطی شیء نمی‌تواند فاقد شیء باشد و با توجه به اینکه با اعطای وجود به معلول، چیزی از خودش کاسته نمی‌شود روشن است که وجود را به صورت

کامل‌تری دارد؛ به‌گونه‌ای که وجود معلول جلوه‌ای از آن محسوب می‌شود. یعنی علت شیء باید کامل‌تر از آن شیء باشد و اگر فرض کنیم که علت شیء با آن شیء برابر نباشد، در واقع این‌طور می‌شود که هرکدام می‌خواهند به عین خودشان، خودشان را اعطا کنند که این محال است. بنابراین علت شیء باید کامل‌تر از آن شیء باشد. با توجه به مطالب ذکرشده هدف از پژوهش حاضر بررسی تحلیلی نظریه وجود رابط معلول صدرالمتألهین براساس تقریر آیت‌الله مصباح یزدی است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران از دیرباز به مسئله وجود رابط معلولی توجه داشته‌اند و در مقالات و پایان‌نامه‌هایی به آن پرداخته‌اند:

- «وجود رابط»، غلامحسین ابراهیمی دینانی، نشریه خردنامه صدرا، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۲۴. نویسنده در این مقاله به تبیین و تحلیل اصل وجود رابط پرداخته است.
- درآمدی به نظام حکمت صدرایی، عبدالرسول عبودیت. نویسنده در این کتاب به تبیین دقیق در باب ربط وجود خالق و مخلوق از منظر صدرالمتألهین پرداخته است.
- «نقد و بررسی کاربردهای نظریه وجود رابط بودن معلول در مسائل فلسفی»، علی ارشد ریاحی و فتاح هنرجو، نشریه خردنامه صدرا، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۸۲. نویسندگان در این مقاله کاربردها و جایگاه‌های استفاده از نظریه وجود رابط را بررسی کرده‌اند.
- «وجود رابط در فلسفه اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رحمت‌الله باهنر، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹. نویسنده در این پایان‌نامه به بررسی کارایی وجود رابط در فلسفه پرداخته است.
- «تأملی نقادانه درباره وجود رابط و مستقل با تأکید بر آرای استاد جوادی آملی»، غلامرضا شاملی و دیگران. نویسندگان در این مقاله به بررسی کلی مسئله پرداخته‌اند و وجود رابط و مستقل را با استفاده از دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی نقد کرده‌اند. سعی نویسندگان بر آن است که ضمن اشکال به مبانی تقسیم وجود به مستقل و رابط از منظر ملا صدرا، با تحلیل معانی لِنَفْسِه، بِنَفْسِه، لَغیره و بَغیره، و همچنین تحلیل ارتباط وجود رابط در قضایا با موضوع و محمول، به تبیین دقیق تقسیم وجود به مستقل و رابط بپردازند.
- «تحلیل صفات فعل خداوند از طریق وجود رابط»، حسن عزیزی و دیگران، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۳. نویسندگان در این مقاله به شیوه اثبات صفات فعل خداوند به‌وسیله پذیرش نظریه وجود رابط پرداخته‌اند.

- «نتایج وجود رابط در خداشناسی فلسفی»، عبدالعلی شکر، نشریه خردنامه صدرا، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۷۰. در این مقاله به بررسی نتایج پذیرش وجود رابط در خداشناسی فلسفی پرداخته شده است.

- «بررسی مبانی عرفانی وجود رابط و مستقل در حکمت متعالیه»، در این پایان‌نامه چگونگی تقسیم وجود به رابط و مستقل و نظریه وحدت وجود و تجلی وجود بررسی شده و مشخص شده که صدرالمتألهین در تقسیم وجود به رابط و مستقل از اصول اساسی عرفان اسلامی اثر پذیرفته است و وحدت شخصی وجود و تجلی می‌تواند مبنای وجود رابط بودن معلول قرار گیرد.

- «نسبت و رابطه خالق و مخلوق در اندیشه علامه محمدتقی جعفری و آیت‌الله جوادی آملی»، نویسنده با تکیه بر مبانی حکمی علامه جعفری از جمله مبنای تباین وجود خالق و مخلوق، نقدهایی را به دیدگاه آیت‌الله جوادی (وحدت شخصی وجود) وارد کرده است.

- «بررسی نتایج مترتب بر وجود رابط و رابطی در حکمت متعالیه»، پژوهش مؤلف این پایان‌نامه معطوف به بررسی حیثیت معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه وجود رابط و معانی حرفی در حکمت متعالیه و شارحین آن است.

- «تبیین وجود رابط در حکمت متعالیه»، نویسنده در این مقاله ابتدا به تبیین اصطلاحات فلسفی «وجود رابط قضایا»، «وجود فی نفسه لغيره» و «وجود رابط معلول» می‌پردازد و سپس اشاره می‌کند که اصطلاح سوم، جزء ابتکارات صدرالمتألهین است و مطابق اندیشه او، وجود ممکنات عین فقر و ارتباط به علت اند و از سنخ وجود رابط قلمداد می‌شوند. در مقابل، غالب فلاسفه وجود ممکنات را مرتبط با علت دانسته، آن‌ها را از سنخ وجود رابطی می‌دانند.

تحقیقات مذکور به صورت کلی، به مسئله وجود رابط پرداخته‌اند یا به صورت موردی، برخی از ابعاد وجود رابط را بررسی کرده‌اند، اما به بررسی دقیق و متقن حیثیت وابستگی وجودی وجود رابط معلول و ارتباط آن با وجود استقلالی علت نپرداخته‌اند و در این پژوهش می‌کوشیم به آن بپردازیم.

۳. مفاهیم و معانی وجود رابط

مباحث فلسفی همواره بر محور وجود تشکیل شده است. وجود و احکام آن به‌عنوان موضوع فلسفه، بخش عمده‌ای از مباحث فلسفی را به خود اختصاص داده است. ثبوت و تحقق همه اشیا به وجود بوده، اما وجود نفس تحقق در اذهان و اعیان خارجی است و این مفهوم عام بدیهی نخستین تصویری است که در عقل آدمی ظاهر شده و چون هیچ چیز از حیطه مفهوم وجود بیرون نیست، حقیقت آن از حیث ظهور در عقل، ظاهر و تمام‌ترین اشیا است؛ بنابراین در تعقل وجود، به امر دیگری که شناخته‌تر و

اجلای از آن باشد، حاجتی نخواهد بود (کبیر، ۱۳۹۰: ۴۱/۱). «لذا اینکه گفته می‌شود وجود تعریف رسمی ندارد، از آن روست که در تعریف رسمی، شیء را با مفاهیم شناخته‌تر از خودش تعریف می‌کنند و در میان تصورات، مفهومی شناخته‌تر از وجود سراغ نداریم تا وجود را به آن تفسیر کنیم. خطاست که فکر کنیم چیزی آشکارتر از وجود هست که بتواند آن را تعریف کند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۰۳/۱).

تقسیم وجود به رابط و مستقل یکی از مباحث تقسیمی فلسفه است. وجود رابط از الفاظی است که بیش از یک معنا دارد. برای جلوگیری از مغالطه به دلیل وجود اشتراک در لفظ، تمایز دقیق این اصطلاح را به نحو اختصار مطرح می‌کنیم. برای وجود رابط می‌توان حداقل چهار معنا برشمرد:

الف) معنای حرفی وجود که مفاد ثبوت شیء لشیء در قضایای هلیه مرکبه است. در مقابل آن، وجود مستقلی است که با تعبیر وجود محمولی بیان می‌شود زیرا مستقلاً محمول واقع می‌شود.

ب) امری که وجود فی نفسه آن، عین وجود لغیره باشد؛ یعنی این دسته از موجودات وجود لئفسه ندارند و تنها از وجود فی نفسه لغیره برخوردارند، نظیر اعراض که وجود فی نفسه آنان، عین وجودشان برای جواهر است. این معنا از وجود که وجود رابطی نامیده می‌شود در مقابل جوهر قرار دارد که دارای وجود لئفسه است.

ج) نسبت‌هایی که میان مقولات هفت‌گانه نسبی «این، وضع، متی، جده، فعل، انفعال و اضافه» وجود دارد. این نسبت‌ها در غیر موجودند و هیچ استقلالی ندارند و در نتیجه فاقد ماهیت‌اند.

د) تعلق و عین‌الربط بودن ممکنات و معالیل نسبت به ذات واجب و علت حقیقی آن‌ها که در مقابل آن، وجود مستقل حقیقی یعنی ذات واجب‌الوجود است که وجودش فی نفسه لئفسه بنفسه است. این معنا از وجود رابط صرفاً در کلام صدرالمتألهین به چشم می‌خورد و حتی برخی از شارحان آثار او در هنگام بحث از وجود رابط به این نکته کمتر توجه داشته‌اند و آن را با معانی دیگر درآمیخته‌اند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۳: ۱۹).

۴. تبیین نظریه «وجود رابط معلول»

نظریه وجود رابط و نتیجه آن، که وحدت شخصی وجود است، مستلزم انکار مخلوقات و ممکنات نیست؛ به این معنا که آن‌ها معدوم باشند یا هر شیئی واجب بالذات باشد یا ممکنات صرفاً امری منتزع از وجود واجب بالذات باشند یا عین واجب بالذات یا جزء آن باشند. همچنین مستلزم این نیست که واجب بالذات در ممکنات حلول کرده باشد یا واجب بالذات به منزله روح باشد و ممکنات به منزله جسم او یا واجب بالذات همان کل جهان، یعنی مجموع ممکنات، باشد نه واقعیتی مستقل یا

واجب بالذات صرفاً امری منتزع از وجود ممکنات باشد. همه این شقوق از دیدگاه صدرالمتألهین عقلاً و شرعاً باطل است. دستاورد نظریه وجود رابط جز این نیست که هر ممکن بالذات و معلولی، شأنی از شئون واجب بالذات است؛ به این معنا که حیثیتی ندارد جز حکایت از او، مقامی ندارد جز مقام آینه و آیتی که او را نشان می‌دهد (عبودیت، ۱۳۹۵: ۱۹۹/۱).

۵. تحلیل وجودبخشی علت

تحلیل وجودبخشی علت به این معناست که وقتی علت وجودبخش وجود را به معلول می‌دهد، چهار موجود و واقعیت خارجی در کار است: علت وجودبخش یا دهنده وجود (الف)؛ معلول یا گیرنده وجود (ب)؛ وجود یا شیء داده‌شده؛ ایجاد کردن یا دادن وجود. از واقعیت گرفتن وجود صرف نظر می‌کنیم، چون پیچیده نیست و تحلیل آن مثل تحلیل دادن وجود است.

تحلیل صدرالمتألهین این است که ابتدا به سراغ وجود و معلول می‌رویم، اگر هر دوی آن‌ها موجود باشند لازم می‌آید که آن چیزی که معلول فرض کردیم معلول نباشد؛ چون اگر وجود را یک شیء و معلول را یک شیء در نظر بگیریم، این به این معناست که معلول ما وجود را از علت وجودبخش نگرفته است، بلکه قبل از گرفتن وجود از علت وجودبخش، از علت دیگری وجود داشته است و این با فرض «الف» علت وجود (ب) است» تناقض دارد. ناچار باید قبول کنیم که معلول همان وجود بخشیده‌شده است و لاغیر. وجود و معلول یک شیء واحدند و این ذهن ماست که آن شیء واحد را به دو مفهوم تحلیل می‌کند.

بنابراین یا نباید علت وجودبخش را بپذیریم که این با اصل علیت در تناقض است یا اگر پذیریم (که عقلاً چاره‌ای جز این نیست) قبول کرده‌ایم که معلول، همان فعالیت وجودبخشی علت است. به عبارت دیگر، مخلوق یعنی همان خلق کردن که کار خالق است.

پس هر فعلی رابطه‌ای است بین موجودات مستقل دیگر. اصطلاحاً این رابطه را «موجود رابط» می‌گویند. پس فعل موجود رابط است نه موجود مستقل. موجود مستقل واقعیتی است که از هیچ جهتی هیچ نحو وابستگی‌ای به غیر ندارد؛ نه از جهت ذات وابسته و قائم به غیر است نه از جهت صفات و نه از جهت افعال. به تعبیر دیگر، نه در موجود بودنش، نه در داشتن صفاتش و نه در انجام دادن افعالش به دیگری نیازمند نیست و نه وابستگی و قیام صدوری به دیگری دارد، مانند قیام شیء به فاعلش، نه وابستگی و قیام حلولی، مانند قیام شیء به قابلش، و نه سایر انواع وابستگی و قیام را، مانند قیام مرکب به اجزا و وابستگی شیء به علل معده و مشروط بودنش به فقدان مانع. با توجه به اینکه هر نوع وابستگی و قیامی نوعی شرط است، می‌توان گفت وجود مستقل واقعیتی است که مطلقاً غیر مشروط است؛ یعنی

۱۰ وجود رابط معلول از دیدگاه صدرالمتألهین

از هیچ جهتی به هیچ نحوی به هیچ چیزی مشروط نیست (عبودیت، ۱۳۹۵: ۲۰/۱).
بنابر این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت در وجودبخشی علت دو واقعیت وجود دارد نه چهار واقعیت: ۱. علت؛ ۲. معلول یا وجود یا ایجاد. پس ایجاد یا دادن وجود، موجودی مستقل نیست، بلکه موجودی رابط است.

۶. دلیل علی‌الاطلاق بودن وابستگی وجود معلول

«ممکن است سؤال شود که چرا صدرالمتألهین وابستگی وجود معلول به علت را با استقلال معلول به لحاظ دیگر منافی می‌داند. جواب این است که ریشه اختلاف را باید در بحث جعل جست‌وجو کرد. به عقیده سایر حکما جعل یا به ماهیت تعلق می‌گیرد یا به اوصاف ماهیت به وجود. واضح است که ماهیت ذاتاً متعلق به علت نیست: «حیثیت ماهیت نه متعلق به جاعل است و نه غیرمتعلقه»؛ پس اگر جعل به ماهیت تعلق بگیرد به چیزی تعلق گرفته است که فی‌نفسه مستقل از علت است. همچنین اگر مجعول اوصاف ماهیت به وجود باشد باز از آن جهت که پای ماهیت در کار است، به نحوی استقلال از علت برای آن تصور می‌شود. ولی از نظر صدرالمتألهین جعل به وجود تعلق می‌گیرد و مجعول حقیقت وجود معلول است و حقیقت وجود شیء امر بسیطی است که نه خود ماهیت است و نه ماهیتی در آن لحاظ می‌شود. بنابراین، یا وابسته است یا غیروابسته و حالت سومی در آن متصور نیست و هنگامی که وابستگی آن به علت پذیرفته شد کاملاً وابسته بوده، هیچ جهت استقلالی از علت نخواهد داشت» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱/۲۹۹).

به تعبیر دقیق‌تر، معلول، خود ربط است. اصطلاحاً وجود دادن «شیء له الربط» نیست، بلکه «شیء هو الربط» است. توضیح مطلب این است که وقتی معلول عین ایجاد است، ایجاد ربط به علت وجودبخش خواهد بود. همان‌طور که گفته شد در پول دادن حسن به رضا، رابطه بین چند موجود مستقل برقرار است، اما در وجودبخشی این‌طور نیست، بلکه علت هست و معلول یا وجود یا ایجاد که به این ربط یک‌طرفه می‌گویند. حسن، رضا و پول باهم مرتبط‌اند با فعل دادن، اما در وجودبخشی، علت و معلول با هم مرتبط نیستند، بلکه یکی ربط و دیگری طرف ربط است؛ پس معلول با علت مرتبط نیست، بلکه معلول خود ربط به علت است نه شیئی که مرتبط با آن باشد. معلول حیثیتی جز ربط به علت وجودبخش ندارد و معلول چیزی نیست جز رابط، و این نظریه را «وجود رابط معلول» می‌گویند (عبودیت، ۱۳۹۷: ۸۰).

۷. وجه افتراق بین وجود رابط و وجود رابطی

«تفاوت میان «وجود رابط» و «وجود رابطی» یک تفاوت اساسی به شمار می‌آید؛ زیرا «وجود رابط»

عین وابستگی و تعلق به غیر است، ولی «وجود رابطی» چیزی است که جنبه «فی نفسه» را داراست. «وجود رابطی» اگرچه در جهان خارج پیوسته به غیر خود وابسته است، ولی در عین حال وجودی است که می‌توان آن را وجود «فی نفسه» نام نهاد. به عبارت دیگر می‌توان گفت: «وجود رابطی» نوعی از هستی است که از اقسام هستی در خود به شمار می‌آید، ولی معنی در خود بودن آن این است که پیوسته برای غیر خود صورت تحقق می‌پذیرد. دلیل اینکه «وجود رابطی» در خود و برای غیر است و می‌توان آن را «فی نفسه لغيره» نام نهاد، این است که وجود اعراض در جهان خارج از این خصلت برخوردارند. وجود عرض چیزی است که در خود است و می‌توان آن را وجود «فی نفسه» نام نهاد، ولی معنی در خود بودن آن این است که همواره در جهان خارج برای غیر خود تحقق می‌پذیرد. به عبارت دیگر می‌توان گفت در خود بودن وجود عرض، عین برای غیر خود بودن آن به شمار می‌آید (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۳: ۲۲۲).

وجود رابطی یا وجود فی نفسه لغيره واقعیتی است وابسته و قائم به دیگری، به طوری که ممکن نیست وابستگی آن را از شئی که به آن وابسته است قطع کرد تا جایز باشد بدون وابستگی به آن یا وابسته به غیر آن موجود باشد؛ قطع وابستگی از آن همان، و انعدام وجود رابطی نیز همان (عبودیت، ۱۳۹۵: ۲۰۲/۱).

وجود رابطی به معنایی است که قوم مشاء در فلسفه رایج به سوی آن رفته‌اند که وجود معلول به نسبت به علتش، وجود رابطی دارد؛ یعنی اینکه برای معلول وجود مستقل از علت است جز اینکه این وجود مستقل معلول، منسوب به علت است و سلب این انتساب از وجود معلول نسبت به علت، صحیح نیست؛ یعنی نمی‌شود که معلول را از این انتساب به علت منسلخ نمود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۷: ۸).

در مقایسه با وجود رابطی، که واقعیتی فی نفسه لغيره است، وجود رابط فاقد جنبه فی نفسه است و فقط لغيره است؛ پس وجود رابط چیزی نیست جز همان خود ربط و وابستگی و قیام و صدور و حلول و ایجاد و عروض و امثال آن‌ها. با توجه به ویژگی‌هایی که برای جنبه فی نفسه و جنبه لغيره وجود رابطی برشمریم، می‌توان دریافت که اگر حقیقت وجود رابط بما هی هی لحاظ شود، فقط به صورت مفهومی حرفی در ذهن منعکس می‌شود و در نتیجه:

الف) نه مفهوم اسمی وجود از آن حاکی و بر آن صادق است، بلکه به جای آن مفهوم حرفی وجود، مشهور به «کون ناقص»، از آن حاکی است. «قطعاً وجود رابط به معنای اول، مفهوم تعلقی است (یعنی مفهومی که حقیقتاً از وجود رابط حکایت کند مفهوم تعلقی است). ممکن نیست که تعلق استقلال‌ی پیدا کند و این از معانی حرفیه است و محال است این شأن از آن منسلخ شود. و به واسطه

وجود رابط معلول از دیدگاه صدرالمتألهین

توجیه التفات (روی برگرداندن نظر) معنای اسمی بگیرد؛ پس تبدیل به وجود محمولی می‌شود» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۸۲/۱). «صدرالمتألهین پیشنهاد می‌کند که برای جلوگیری از خلط و اشتباه بین معانی مختلف بهتر است که برای اقسام وجود رابطی و وجود فی نفسه اصطلاح خاصی به کار بریم. بنابراین، قرارداد می‌کنیم که از این پس به معنای اول از وجود رابطی «وجود رابط» و تنها به معنای دوم «وجود رابطی» اطلاق کنیم؛ زیرا در معنای دوم یک جهت استقلالی و یک جهت نسبی وجود دارد و «یاء نسبت» این معنا را افاده می‌کند. همچنین معنای اول از وجود مستقل را «وجود محمولی» و معنای دوم را «وجود فی نفسه» می‌نامیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۳۰۴/۱).

ب) نه مفهومی ماهوی یا مفهوم مستقل دیگری از آن در ذهن منعکس می‌شود تا به حمل هو هو بر آن صادق یا آن موجود باشد، بلکه به جای آن با انواع مفاهیم حرفی به اقسام آن اشاره می‌شود و از همین رو، موضوع یا محمول هیچ قضیه‌ای واقع نمی‌شود؛ پس ثانی واقعیتی که مربوط‌الیه آن است نیست. ج) وجود رابط مناط اثبوت و مستلزم تعدد و تکثر واقعیات و اشیاء موجود در عالم نیست. البته با مسامحه، با مفاهیمی اسمی، همچون ربط و رابط و وجود رابط و وابستگی و قیام و صدور و ایجاد که حاکی از ربط و وابستگی‌اند، نه حاکی از استقلال، می‌توان به آن اشاره کرد.

۸. وجود رابط معلول

صدرالمتألهین، در باب وجود معلول، دو گونه نظر داده است: الف) گاهی، در توصیف آن، می‌گوید: وجودی است عین ایجاد علت؛ یعنی، برای معلول وجود فی نفسه قائل است، اما آن را بعینه للغير، یعنی للعلّه می‌داند؛ همان‌طور که برای عرض که حال در جوهر است، وجود فی نفسه للجوهر قائل است؛ البته با این فرق که چون قیام عرض به جوهر حلولی است، سبب اتصاف جوهر به عرض است، برخلاف قیام معلول به علت که چون صدور است، موجب اتصاف علت به معلول نیست؛ یعنی برای هر دو وجود رابطی قائل است با این تفاوت که به سبب اختلاف نحوه قیام، در یکی وجود رابطی سبب اتصاف مربوط‌الیه به آن است و در دیگری نیست.

ب) گاهی به کلی منکر وجود فی نفسه برای معلول است و آن را جز ایجاد علت، جز حیثیت صدور از علت، جز حیثیت ربط به علت نمی‌داند، به طوری که حتی در ذهن نیز ممکن نیست آن را به ذاتی و ربطی مغایر ذات تحلیل کرد؛ یعنی، حتی به حسب ذهن هم «ذات لها الربط» نیست.

ممکن است دو نظر مذکور او را به یک نظر تقلیل داد به این صورت که: نظر اول، یعنی وجود رابطی معلول، به نظر دوم، یعنی به وجود رابط معلول، می‌انجامد؛ یعنی، نظر دوم از نظر اول قابل استنتاج است. او ابتدائاً وجود رابطی معلول را ثابت می‌کند؛ یعنی ثابت می‌کند که واقعیت معلول

وجودی است عین ایجادِ علت و عین ارتباط با آن و سپس به وجود رابط معلول می‌رسد؛ یعنی ثابت می‌کند که چنین امری فاقد جنبه فی نفسه است و صرف ایجاد است و لا غیر، پس جز شأنِ علت نیست. بنابراین از دیدگاه او، وجود رابطی معلول در حکم مقدمه‌ای است برای وصول به وجود رابط معلول (عبودیت، ۱۳۹۵: ۲۱۲/۱). بنابراین صدرالمتألهین تمام ممکنات را شئون و اطوار وجود واجب تعالی می‌داند و اصل همه موجودات را وجود واحدی می‌داند که سایرین جز شئون و تجلیات او نیستند. آن وجود واحد همان وجود مستقل و غنی مطلق است و ماسوای او همه عین فقر و ربط به اویند.

۹. وجود رابطی معلول

وجود رابطی معلول وجودی است فی نفسه للعلّه و وجود رابط معلول فقط للعلّه است و فی نفسه نیست. داشتن جنبه فی نفسه به معنای مغایرت واقعیت معلول و واقعیتِ علت در خارج است؛ بنابراین احکامی که بر نظریه وجود رابطی معلول مترتب می‌شود، عبارت‌اند از:

«الف) رابطه علی - معلولی موجب کثرت اشیا و موجودات است.

ب) جنبه فی نفسه معلول، که با واژه «ذات» از آن یاد می‌کنند، به صورت مفهوم اسمی‌ای که به هیچ نحو از وابستگی حاکی است، مثلاً به صورت مفهوم انسان در ذهن منعکس می‌شود.

پ) می‌توان معلول را از طریق مفهوم ماهوی مذکور، بدون در نظر گرفتن علت و مستقل از آن تصور کرد.

ت) می‌توان در ضمن قضیه‌ای بر معلول حکم کرد و آن را به محمولات و اوصافی توصیف نمود.

ث) می‌توان در ضمن قضیه هلیه بسیط‌های، درباره معلول، مثلاً درباره انسان، گفت: «انسان موجود است»، «انسان واقعی خارجی است»، «انسان شیئی از اشیا است».

ج) معلول مصداق مفاهیمی اسمی همچون مفهوم موجود و واقعیت و شیء و واقعی و ثابت است و بالتبع، بنابر اصالت وجود، مصداق مفهوم اسمی وجود نیز است.

چ) می‌توان، در ضمن هلیه مرکب‌های، معلول را، مثلاً انسان را، به اوصافی همچون وابسته به غیر و امثال آن توصیف کرد و گفت: «انسان وابسته به غیر است» یا «انسان صادر از علت است».

ح) می‌توان از وجود معلول در خارج، با تأکید بر جنبه فی نفسه آن، با مفاهیم ترکیبی اسمی، همچون «ذات هو الربط» یا «ذات عین الربط بالعله» یا «وجودی عین ایجاد علت» یا «موجودی عین صدور» و امثال آن‌ها، حکایت کرد.

خ) می‌توان از معلول، در تحلیل ذهن، با تأکید بر جنبه فی نفسه آن، با مفاهیم ترکیبی اسمی، همچون «ذات لها الربط» یا «ذات وابسته به علت» یا «شیء صادر از علت» یا «موجود به ایجاد

علت» و امثال آن‌ها، حکایت کرد» (عبودیت، ۱۳۹۵: ۲۱۸/۱).

وقتی براساس تشکیک در وجود رابط معلول و مراتبش، به پایین‌ترین مرتبه وجودی عالم یعنی عالم طبیعت و ماده می‌نگریم، جز حیثیت فقر وجودی و وابستگی به وجود مستقل یعنی واجب تعالی چیزی را درک نخواهیم کرد. «فاعل‌های عالم ملک و طبیعت، چون تحت حکومت ابعاد مکانی و حاکمیت جهات امکانی قرار دارند و اسیر در بند هیولا و هیولانی‌ها بوده و به قیدهای ماده و مادیات و آن‌ها منفصل‌الهیوه است که این بالاترین مراتب عزل و انفصال است و این امر به سبب امتزاج وجود ایشان با عدم و دوریشان از ساحت قدس ملک عالم است» (خمینی، ۱۳۸۹: ۹۱).

۱۰. تباین وجود مستقل و وجود رابط

صدرالمتألهین وجود رابط را با وجود مستقل دو نوع متباین به شمار می‌آورد. او وجود رابط و مستقل را آن‌چنان از یکدیگر دور و بیگانه دانسته که اشتراک آن‌ها را تنها در لفظ مطرح کرده است. بنابراین میان وجود رابط و مستقل هیچ‌گونه جهت جامع و قدر مشترک در واقع و نفس الامر نمی‌توان پیدا کرد؛ زیرا اگر میان این دو سنخ از وجود یک جهت جامع و قدر مشترک وجود داشته باشد، باید آن قدر جامع بر وجود رابط قابل حمل باشد.

وجود رابط» از آن جهت که ربط است نه موضوع واقع می‌شود و نه محمول؛ زیرا چیزی که هیچ‌گونه خودی و «فی‌نفسه» بودن ندارد، به هیچ یک از احکام نیز محکوم نمی‌گردد. به همین جهت «وجود رابط» را نه کلی می‌توان خواند و نه جزئی؛ نه عام می‌توان نامید و نه خاص. آنچه درباره «وجود رابط» می‌توان گفت این است که گفته شود: وجود رابط، وجود رابط است.

باید توجه داشت که وقتی گفته می‌شود میان «وجود رابط» و مستقل هیچ‌گونه جهت جامع و قدر مشترک نیست، معنی آن این است که «وجود رابط» که عین تعلق و وابستگی است هرگز این خصلت را از دست نداده و نمی‌تواند به‌عنوان یک وجود مستقل مورد توجه و التفات واقع شود. «وجود رابط» چیزی است که امر آن میان نفی و اثبات دایر است و هیچ‌گونه احتمال دیگری درباره آن قابل قبول نیست. معنی این سخن آن است که اگر «وجود رابط» بدون خصلت رابط بودن در نظر گرفته شود، چیزی جز نیستی و نابودی نیست. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که موجودات عالم امکان نسبت به وجود حق تبارک و تعالی جز عین ربط و صرف تعلق چیز دیگری نیستند، ولی همین موجودات وقتی به خود منسوب گشته و با یکدیگر مقایسه شوند سلسله‌ای از موجودات را تشکیل می‌دهند که می‌توان آن‌ها را موجودات مستقل نام نهاد. وجه اشتراک بین وجود مستقل و وجود رابط از نظر ملا صدرا منحصر در لفظ است.

«صدرالمتألهین نیز وجود مستقل را منحصر در وجود خداوند و ماسوا را عین ربط و تعلق به آن می‌داند. او در بیان اختلاف آن دو به اشتراک لفظی قائل شده است» (شکر، ۱۳۸۹: ۳۱).

۱۱. سنخیت بین علت و معلول

تقریر سنخیت بین علت و وجودبخش و معلول چنین است که چون علت وجودبخش به معلول خودش وجود می‌دهد، باید خودش آن وجود را داشته باشد تا به معلولش بدهد و اگر آن را نداشته باشد نمی‌تواند آن را اعطا کند. مبنای قاعده سنخیت این است که معطی شیء نمی‌تواند فاقد شیء باشد و با توجه به اینکه با اعطای وجود به معلول، چیزی از خودش کاسته نمی‌شود روشن است که وجود را به صورت کامل تری دارد؛ به گونه‌ای که وجود معلول جلوه‌ای از آن محسوب می‌شود؛ یعنی علت شیء باید کامل‌تر از آن شیء باشد و اگر فرض کنیم که علت شیء با آن شیء برابر نباشد، در واقع این‌طور می‌شود که هرکدام می‌خواهند خودشان را به عین خودشان اعطا کنند و این محال است؛ بنابراین علت شیء باید کامل‌تر از آن شیء باشد.

به عبارت دیگر، آنچه در مورد علت وجودبخش لازم است، دارا بودن کمالات وجودی معلول، به صورت کامل‌تر و عالی‌تر است، نه واجد بودن نقص‌ها و محدودیت‌های آن، و اگر مفهوم جسم و لوازم آن، از قبیل مکانی و زمانی بودن و حرکت و تغییرپذیری، بر علت وجودبخش صدق نمی‌کند، به این دلیل است که مفاهیم مذکور لازمه نقص‌ها و محدودیت‌های موجودات مادی است، نه لازمه کمالات آن‌ها. بنابراین اینکه گفتیم معطی شیء، نمی‌تواند فاقد شیء باشد، منظور از شیء، صرفاً کمال است نه چیز دیگر (مصباح یزدی، ۱۳۶۶: ۶۶/۲).

البته اصطلاح تعطیل که در کلام صدرالمتألهین آمده است، در بین متکلمین و فلاسفه به دو معنا به کار می‌رود: گاهی بر تعطیل معرفت خداوند و گاهی بر تعطیل ذات الهی از صفات کمال اطلاق می‌شود. واضح است که اولی به جنبه معرفت‌شناختی و دومی به جنبه وجودشناختی باز می‌گردد. به هر حال، چنان‌که ایشان فرمودند، نظریه فوق به هر دو قسم تعطیل منجر می‌شود؛ یعنی هم باید صفات کمال را از خداوند نفی کرد و هم انسان را در شناخت ذات و صفات الهی عاجز دانست (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۲۸۸/۱).

طبق نظر ملا صدرا، اولین چیزی که از واجب‌الوجود صادر گردیده، وجود منبسط است. وجود منبسط جلوه اولیه ذات واجب‌الوجود است. شمول و انبساط او مانند شمول، انبساط و عمومیت کلیات طبیعی نظیر انسان و حیوان نیست. او براساس نظریه وجود رابط، با جایگزین کردن تشآن به جای علیت و وحدت شخصی وجود و تشکیک در ظهور وجود به جای تشکیک در وجود، بیان می‌کند که صادر



اول تنها می‌تواند وجود منبسط باشد که تجلی حق است، نه وجودی مستقل از او. وجود منبسط وجودی است که وجود و شمولش، مانند طبایع کلیه و ماهیات عقلیه نیست، بلکه به صورتی است که عرفا آن را می‌شناسند و آن را نفس رحمانی می‌خوانند. او صادر اول است و او اصل وجود عالم و کل اشیاست؛ به این صورت که با عقل، عقل است و با نفس، نفس است و با جسم، جسم است و با جوهر، جوهر است و با عرض، عرض.

۱۲. بطلان وجود در رابط و وحدت شخصی وجود

مطلبی که نباید از آن غفلت کرد این است که وجود رابط قسمی از وجود نیست؛ زیرا تعبیر «قسمی از وجود» به معنای «بخشی از مصادیق مفهوم اسمی وجود» است، در حالی که گفتیم وجود رابط چون وجود فی نفسه نیست، هیچ مفهوم اسمی‌ای، و از جمله مفهوم اسمی وجود و واقعیت و شیء و موجود و امثال آن‌ها، بر آن صادق نیست، پس قسمی از وجود نیست. برخلاف آن، وجود مستقل و رابطی، چون وجود فی نفسه‌اند و مصداق مفاهیم مذکورند، دو قسم از وجودند. پس تقسیم وجود به مستقل و رابطی و رابط تقسیمی حقیقی نیست؛ چون وجود رابط حقیقتاً قسمی از وجود، که مقسم این تقسیم است، نیست؛ به تعبیر دیگر، واژه «وجود» در عنوان «وجود رابط» با واژه «وجود» در دو عنوان «وجود مستقل» و «وجود رابطی» مشترک لفظی‌اند نه معنوی؛ به اختصار، «وجود رابط» و «وجود معمولی یا وجود به معنای اسمی» جز در مجرد لفظ «وجود» مشترک نیستند. «اشتراک بین وجود رابط و وجود معمولی، در مجرد لفظ است» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م: ۷۹/۱).

البته تلقی آیت‌الله محمدتقی آملی از این نظر صدرالمتألهین این است که «شاید مراد به آن این است که چون بین وجود رابط و وجود معمولی نهایت دوری هست، نزدیک است که عنوان وجود برای هر دو به نحو اشتراک لفظی باشد نه اینکه مراد آخوند از این لفظ «اشتراک لفظی» بین این دو نحو وجود به صورت حقیقی آن باشد» (آملی، ۱۳۷۷: ۱۹۷/۱). «حاصل اینکه وجودات رابطی، که فی نفسه‌اند، بخشی از موجودات و اشیا هستند، برخلاف وجودات رابط که چنین نیستند؛ یعنی، با داشتن وجودهای رابطی متکثر، موجودات و اشیا متکثر خواهیم داشت، اما با داشتن وجودهای رابط متکثر، موجودات و اشیا متکثر نداریم، بلکه شئون متکثری برای وجود فی نفسه‌ای که مربوط‌الیه آن‌هاست خواهیم داشت. غیر واجب تعالی صرفاً موجوداتی هستند که وجودشان فقط تجلی وجود واجب تعالی است، نه وجودی در عرض وجود او. این مطلب نقطه کور و عمیق درباره وجود رابط معلول از منظر صدرالمتألهین است و غفلت از آن موجب سردرگمی در تفسیر سخنان صدرالمتألهین خواهد شد» (عبودیت، ۱۳۹۵: ۲۰۸/۱).

۱۳. نتیجه

فهم نظریه «وجود رابط معلول» صدرالمتألهین دقت زیادی می‌طلبد؛ زیرا در صورت عدم دقت، نظریه مذکور به سطحی‌ترین و حتی شرک‌آلودترین نظرات درمورد ربط وجود خالق و مخلوق شبیه خواهد شد. با توجه به تلاش ملا صدرا برای حل مسئله‌ای عمیق و پیچیده، باید در نظریه او کمال دقت را داشته باشیم. او علی‌الظاهر در دو بخش از اسفار که از مهم‌ترین کتب فلسفی اوست، خیلی اوج گرفته و در تبیین مسئله ربط وجود خالق و مخلوق سخنی پرمغز ارائه می‌دهد:

بخش اول: «از چیزهایی که لازم است بدانیم این است که اینکه ما مراتب وجودات متکثره را اثبات کردیم و تعدد و تکثر وجودات را به بحث و تعلیم پرداختیم، با اثبات بحث وحدت وجود و موجود ذاتاً و حقیقتاً در تنافی نیست، بلکه ما برهان قطعی خواهیم آورد که وجودات اگرچه تکثر و تمیز دارند، اما این وجودات متکثره و متمیزه از مراتب تعینات حق اول (واجب‌الوجود بالذات) و ظهورات نور او و شئون ذات اویند، نه اینکه این‌ها اموری مستقل و ذواتی منفصله از واجب‌الوجود بالذات باشند».

بخش دوم که از جهت صراحت و اوج گرفتن حائز اهمیت بیشتری است: «وجود و موجود در یک حقیقت شخصی، منحصر است و هیچ شریک و ثانی‌ای در حقیقت وجود، وجود ندارد و هر آنچه در عالم وجود، غیر از واجب‌الوجود بالذات و معبود ملاحظه می‌شود، از ظهورات ذات معبود و تجلیات صفات او هستند که این صفات در حقیقت، عین ذات او می‌باشند. غیر واجب تعالی نسبت به واجب تعالی مثل سایه برای شخص است. غیر او سایه اوست و این مطلب عین نسبت دادن وجود به عالم مخلوقات است. این اعیان ممکنات فقط محل ظهور سایه الهی‌اند که عالم نامیده می‌شوند».

تعبیر ملا صدرا درباره وجود واجب تعالی، وحدت شخصی وجود (منظور از وحدت، وحدت عددی نیست، بلکه وحدت سعی یا اطلاقی است که به وحدت جمعی تعبیر می‌شود) است، اما موجودات دیگر را به‌عنوان ظهور و تجلی او می‌پذیرد و وجود مخلوقات متکثره را انکار نمی‌کند. ماسوای الله را نه عین الله می‌داند و نه منفصل از او، بلکه مظهر تجلی صفات او می‌داند. مثل نسبت سایه هر شخصی به آن شخص، که سایه، نه غیر از ذی‌سایه است و نه عین ذی‌سایه.

از نظر صدرالمتألهین، وجود همه ممکنات نسبت به وجود واجب ربط محض‌اند و هیچ نحو استقلال ندارند و تنها این واجب است که مطلقاً مستقل است. صدرالمتألهین بر مبنای وحدت شخصی وجود، وجود رابط و مستقل را نیز دگرگون ساخت، به طوری که تنها ذات حق را شایسته نام وجود دانست. به نظر او معلول یا رابط مصداق وجود نیست، بلکه جلوه ذات اوست؛ بنابراین حقیقت وجود رابط معلول، در جلوه بودن آن نسبت به علت، متبلور خواهد شد.

منابع

۱. آملی، محمدتقی (۱۳۷۷)، دُرر الفوائد، قم: اسماعیلیان.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۳)، وجود رابط و مستقل در فلسفه اسلامی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۳. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۷)، شرح فارسی الأسفار الأربعة، قم: بوستان کتاب.
۴. حسنی، سید حمیدرضا (۱۳۸۵)، «وحدت و کثرت وجود در حکمت متعالیه و عرفان»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۲۷(۳): ۳-۲۴.
۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، ترجمه و متن مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية، تهران: انتشارات عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)).
۶. رحیم‌پور، فروغ‌السادات (۱۳۸۹)، «تأملی در مبانی اختلاف نظر ابن‌سینا و ملا صدرا پیرامون صادر اول و انطباق آن با حقیقت محمدیه (ص)»، پژوهشی‌های هیات - تطبیقی، ش ۱۴(۱): ۷۳-۸۸.
۷. شکر، عبدالعلی (۱۳۸۹)، وجود رابط و مستقل در حکمت متعالیه، قم: بوستان کتاب.
۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۹)، تفسیر آیه نور یا بیان مراتب آفرینش، ترجمه و تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران: مولی.
۹. _____ (۱۹۸۱)، الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، بیروت: دار إحياء التراث.
۱۰. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۴)، فلسفه مقدماتی «برگرفته از آثار استاد شهید مرتضی مطهری»، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۱. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۵)، درآمدی به نظام حکمت صدرائی؛ هستی‌شناسی و جهان‌شناسی، قم: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۲. عبودیت، عبدالرسول و مجتبی مصباح (۱۳۹۷)، سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی (خداشناسی)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۳. کبیر، یحیی (۱۳۹۰)، ترجمه، شرح و تحقیق شواهد الربوبیه، قم: بوستان کتاب.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۶)، آموزش فلسفه، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی.

سید سال نهم / شماره دوم / پیاپی ۱۷ / پاییز - زمستان ۱۴۰۲

۱۵. _____ (۱۳۹۳)، شرح الأسفار الأربعة، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، جهان بینی توحیدی، تهران: صدرا.

